



شوه‌های دستیابی به آیات و سور کی و مدنی

مهدی کمانی نجف‌آبادی

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

چکیده

فوائد شناخت زمان و مکان نزول آیات و عدم وجود نصی نبوی سبب شد قرآن پژوهان از آغاز به تبیین راه‌های کشف مکی و مدنی بپردازند. این راه‌ها عبارتند از نقلی، قیاسی و اجتهادی. مقاله پیش‌رو به ترتیب تاریخی به بررسی این راه‌ها، جزئیات، مصادر و نمونه‌های هر یک پرداخته است تا دستیابی به نوع آیات و سور به شکلی دقیق‌تر صورت گیرد. کلید واژگان: آیه مکی، مدنی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

از آنجایی که در عصر نزول، صحابه مستقیماً شاهد و ناظر نزول آیات بودند، لذا از زمان و مکان نزول نیز آگاه بودند از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره چیزی نفرموده‌اند. بعد از مدتی صحابه جای خود را به تابعین دادند و ضرورت شناخت زمان نزول آیات رخ نمود و فقیهان و دانش وران علوم قرآنی به اهمیت دانستن زمان نزول آیات پی بردند و آن را در مباحثی نظیر ناسخ و منسوخ، اسباب نزول، تفسیر و... تأثیرگذار یافتند، بنابراین برای شناخت آیات مکی و مدنی از دو راه بهره بردند.

جعبری (م ۷۳۲ ق) از اولین کسانی بود که به این دو طریق اشاره کرده است. وی در کتاب «حُسن المدد» خود می‌نویسد:

و له طریقٌ سماعی و قیاسی. فالسماعی ما وصل إلینا نزولُهُ بأحدهما و القیاسی قال علقمة عن عبدالله: كلُّ سورةٍ فیها «یا ایها الناس» فقط بخلاف الحج ... فهی مکیة ...

در کنار این دو راه باید از روش سوم نیز نام برد که بیشتر از سوی متأخرین دنبال می‌شود، یعنی اجتهاد بر اساس شاخص‌های لفظی و محتوایی. بنابراین برای دستیابی به مکی یا مدنی بودن آیات و سوره‌ها شیوه وجود دارد: نقلی، قیاسی، اجتهادی.

الف) روش نقلی

اولین راه کشف مکی و مدنی بودن آیات تکیه بر نقل صحیح و بهره‌گیری از روایات است. سیوطی در الإیتقان به نقل از قاضی ابوبکر باقلانی (م ۴۰۳ ق) در کتاب «الاتصار» می‌گوید: «إنما یرجع فی معرفة المکی و المدنی إلى حفظ الصحابة و التابعین».

از آنجا که صحابه نسبت به حفظ قرآن، تعظیم و بزرگداشت آن اهتمام بسیاری داشتند و قرآن در نگاه آنان منزلتی بسیار والا داشت بالتبع مکان و زمان نزول آیات نیز مورد



توجه و دقت آنان بوده است و لذا آنچه از آنان به نقل صحیح به ما رسیده باشد قابل اعتماد است.

اما آنچه از تابعین در این باره رسیده چندان قابل اعتماد نیست؛ چرا که اولاً خود، شاهد نزول نبودند و ثانیاً چون از پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره حدیثی وارد نشد، صحابه دانستن مکی و مدنی را از واجبات شریعت ندانستند و جهل به آن را روا دانستند، لذا چندان انگیزه‌ای نداشتند این معلومات را به تابعین انتقال دهند. از این رو تابعین شروع به اعمال رای و اجتهاد نمودند. با این حال، اگر با قرائنی معلوم شود تابعی قول مشهور یا سخن صحابی را گزارش می‌کند این مشکل مرتفع خواهد شد.

اما روایاتی که در این قسمت می‌توان از آنها بهره برد چهار دسته هستند که به تک تک آنها و میزان اعتبار آنها اشاره خواهیم کرد.

۱. روایات ترتیب نزول

یکی از مهم‌ترین منابع روایی برای تعیین مکی و مدنی آیات، روایاتی است که ترتیب نزول سوره‌ها را گزارش می‌کنند. این روایات در اصل سیزده روایت است که توسط چهارده تن از صحابه و تابعین نقل شده‌اند و نه تای آنها متن کامل دارند و تقریباً ترتیب واحدی از سوره علق تا براءت را ارائه می‌کنند؛ با وجود عیوب سندی و اختلافاتی که در متن این روایات به چشم می‌خورد به لحاظ کثرت این روایات، عیوب مذکور با کنار هم نهادن متون آنها و مقایسه آنها با یکدیگر قابل رفع است. دو روایت آن را می‌توان در اوائل کتاب الاتقان مشاهده کرد.



۲. روایات اسباب نزول

یکی دیگر از منابع روایی برای تعیین نوع و حدود یک واحد نزول، روایات اسباب نزول آیات است. این دسته روایات که حدود نهصد روایت ذیل حدود ششصد آیه از قرآن آمده‌اند دارای عیوب عیان و بارزی هستند که باید بدان توجه داشت.

این روایات نظیر سایر روایات، قریب یک قرن به کتابت درنیامد و به طور شفاهی نقل می‌شد. راویان از سر عمد یا سهل‌انگاری در آنها دخل و تصرف‌های فراوانی به وجود آوردند. هم چنین با عنایت به اینکه حدود هشتاد درصد از روایات اسباب نزول متعلق به کسانی است که خود شاهد نزول وحی نبوده‌اند، قصص اسباب نزول را نابجا بر آیات مربوط تطبیق دادند؛ لذا ملاحظه می‌شود که بسیاری از روایات با ظاهر و سیاق آیات موافقت ندارند. به طور خلاصه این دسته از روایات دارای پنج عیب آشکار: جعل، تحریف، نقل به معنا، تطبیق نابجا و تعارض هستند.

اما نکته مهم در استفاده از این اخبار برای شناخت مکی و مدنی، تفکیک روایات اسباب نزول از روایات شأن نزول و تفسیری است؛ چرا که روایات شأن نزول، بیانگر تقارن زمانی نزول و رویداد نیستند، لذا نمی‌توان از زمان رویداد به زمان نزول منتقل شد. برای روشن شدن بحث باید اشاره کرد که در روایات اسباب نزول دو دسته تعبیر وجود دارد:

الف) گاه ابتدا به گزارش واقعه‌ای پرداخته می‌شود و سپس راوی می‌گوید: فَأَنْزَلَ اللَّهُ آيَةً فلان / فنزلت آية فلان / فَأَنْزَلَتْ آيَةُ فلان.

ب) گاه راوی می‌گوید: «نزلت آية فلان في كذا» و به جای کذا نام فرد یا نام واقعه‌ای را می‌برد و یا جریانی را گزارش می‌کند.



در صورت اول که راوی از فاء عاطفه استفاده می‌کند سخنش ظهور در تقارن زمانی و بیان سبب نزول دارد؛ زیرا فاء عاطفه افاده تعاقب زمانی می‌دهد؛ اما با این حال نمی‌توان گفت احتمال خلاف وجود ندارد. به عنوان مثال سیوطی در لباب النقول گفته است:

قوله تعالى ﴿وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾ أخرج الواحدي عن ابن عمر قال: كان يطوفون بالبيت و يصفقون و يصفرون، فنزلت هذه الآية و أخرج ابن جرير عن سعيد قال: كانت قريش يعارضون النبي صلى الله عليه و آله في الطواف يستهزئون به و يصفرون و يصفقون فنزلت.

با توجه به اینکه سوره انفال بالاجماع مدنی است، ظاهر این آیات گزارش قضیه‌ای در گذشته، یعنی دوران مکه است و به نوعی آن را تفسیر کرده‌اند. از همین رو عبارت «فنزلت هذه الآية» تنها در مقام بیان شأن نزول و تفسیر آیه است.

ابن عربی مالکی (م ۵۴۳ ق) در کتاب «الناسخ و المنسوخ فی القرآن الکریم» پس از آنکه می‌گوید برخی، آیات ﴿وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيَتَّبِعُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ﴾ را مکی می‌دانند، می‌نویسد:

فإن كان هذا بنقل صحيح فيها و نعمت. و إن كان بحكم الظن فإن هاتين الآيتين جرت قصتهما بمكة، فلا يصح هذا؛ لأن القصة قد تجرى بمكة و تُذكر بالمدينة.

بنابراین احتمال، حداقل در برخورد با این دسته از روایات باید جستجو کنیم این سبب با روایات دیگر یا سیاق آیات تعارضی نداشته باشد آنگاه به ظهور آنها تمسک کنیم.

البته گفتنی است این مسئله در مورد اخباری که بیانگر واقعه‌ای در دوره مدنی هستند مطرح نیست؛ چون با وجود احتمال عدم تقارن زمانی رویداد و نزول، باز هر دو در دوره مدنی قرار می‌گیرند.



در صورت دوم احتمال عدم تقارن زمانی نزول و سبب مطرح شده، به شکلی آشکارا مطرح است و باید آن را اعم از بیان سبب دانست چنانکه سیوطی گاه این قبیل موارد را از باب تفسیر آیه می‌داند و به نقل از زرکشی در البرهان می‌گوید:

«قد عُرف من عادة الصحابة و التابعين أن أحدهم إذا قال «نزلت هذه الآية في كذا» فإنه يريد بذلك أنها تتضمن هذا الحكم، لا أن هذا كان السبب في نزولها؛ فهو من جنس الاستدلال على الحكم بالآية، لا من جنس النقل لما وقع».

۳. روایات مکی و مدنی

روایات مکی و مدنی به دو صورت در منابع مختلف یافت می‌شوند. دسته اول روایاتی است عموماً از تابعین که به ذکر تمام سور مکی و مدنی می‌پردازد و می‌توان نمونه آن را در آغاز نوع اول الاتقان مشاهده کرد و بنابراین منبع مستقلی در این زمینه قلمداد می‌شوند؛ اما دسته دوم روایاتی جزئی‌اند که عموماً از نسلهای بعد از تابعین نقل شده‌اند و به نظر می‌رسد بیشتر از روایات دسته اول یا روایات ترتیب نزول یا اسباب نزول اقتباس شده‌اند و گاه نیز ناشی از اجتهاد است لذا به عنوان منبع مستقل و معتبر در تعیین نوع آیات تلقی نمی‌شوند.

۴. روایات سیره نبوی

روایات سیره در مواردی که به آیات قرآن ربط دارند و در کار تعیین نوع و حدود واحد نزول مورد استناد قرار می‌گیرند، عبارت از همان روایات اسباب نزول‌اند. بنابراین با مراجعه به روایات اسباب نزول تقریباً از رجوع به روایات سیره بی‌نیازی حاصل می‌شود؛ چرا که خود سبب‌نگاران از این دسته روایات که در کتب مغازی و سیره نبوی و ... آمده استفاده کرده‌اند و کتب خود را سامان داده‌اند. با این همه هیچ بعید نیست که روایاتی از



نظر سبب‌نگاران به دور مانده باشد، لذا این روایات باز به عنوان منبعی برای تعیین نوع آیات درخور توجه هستند.

ب) روش قیاسی

به دلیل عدم وجود نص نبوی در این زمینه و همچنین روایات قطعی و فیصله دهنده از صحابه، عالمان گذشته ضوابطی از متن خود قرآن وضع کردند تا به شکلی اجمالی سوره‌های مکی و مدنی را از هم تشخیص دهند. این ضوابط گاه نتیجه توجه به ویژگی‌های دو دوره مکه و مدینه است و گاه حاصل مقایسه و تأمل در سوری است که روایات از پیش مکی یا مدنی بودن آنها را بدون اختلاف، تعیین کرده‌اند.

ضوابط سوره‌های مکی

ضوابطی که برای شناخت سوره‌های مکی در کتب مختلف آمده شش مورد است. سیوطی (م ۹۱۱ ق) اولین کسی است که تمام این شش ضابطه را گردآورده است، گرچه مکی بن ابی طالب (م ۴۷۳ ق) پنج مورد از آن را پیش‌تر بیان کرده بود.

ضابطه اول

کهن‌ترین این ضوابط به سخنی از ابن مسعود (م ۳۲ ق) بازمی‌گردد و قاسم بن سلّام (م ۲۲۴ ق) آنرا به شکل مرسل از علقمه بن قیس (م ۶۲ ق) از ابن مسعود نقل کرده است:

«ما کان یاأیها الذین آمنوا أنزل بالمدینة و ما کان یاأیها الناس فبمكة»

جعبری (م ۷۳۲ ق) این ضابطه را اینگونه بیان می‌کند: «کل سورة فیها یاأیها الناس» فقط بخلاف الحج ... فهی مکیة.»

یعنی هر سوره‌ای که در آن «یاأیها الناس» باشد و «یاأیها الذین آمنوا» نباشد مکی است؛ البته به جز سوره حج که با اینکه هر دو عبارت را داراست مکی است.



ضابطه دوم

با توجه به اخبار و روایات به نظر می‌رسد دومین ضابطه‌ای که توسط متقدمان وضع گردیده ذکر امتهای و اقوام پیشین در سور مکی است که توسط عروة بن زبیر بن عوام (م ۹۴ ق)، فقیه مدینه، ارائه شده است.

قاسم بن سلام (م ۲۲۴ ق) در الفضائل آورده است:

«حدثنا ابو معاوية عن هشام بن عروة عن أبيه قال: ... ما كان من ذِكر الأمم والعذابِ فإنه أنزل بمكة».

بنابراین هر سوره‌ای که در آن قصص انبیاء و اقوام گذشته آمده است به جز سوره بقره مکی است.

ضابطه سوم

سومین ضابطه این است که هر سوره‌ای که دارای «کلاً» باشد مکی است. جعبری می‌نویسد: «کل سورة فیها کلاً ... فهی مکیة» و سیوطی از قول دیرینی (م ۶۹۴ ق) می‌آورد که وی گفته است:

«و ما نزلت «کلاً» بیثرب فاعلمن و لم تأت فی القرآن فی نصفه الأعلى»

ضابطه چهارم

چهارمین ضابطه وجود حروف مقطعه در ابتدای سوره مکی است به جز دو سوره بقره و آل عمران و سوره رعد در نظر کسانی که آن را مدنی می‌دانند. باز جعبری می‌گوید: «کل سورة أولها حرف تهج، سوی الزهراوین و الرعد فی وجه ... فهی مکیة»



ضابطه پنجم

پنجمین ضابطه عبارت است از اینکه هر سوره‌ای که در آن داستان آدم و ابلیس باشد به جز سوره بقره و مکی است. جعبری می‌گوید: «کل سورة فيها قصة آدم و ابلیس سوی الطولی فهی مکیة.»

ضابطه ششم

ششمین ضابطه وجود سجده در سور مکی است. سیوطی می‌نویسد: «و فی کامل الهدلی (م ۴۶۵ ق): «کلّ سورة فيها سجدة فهی مکیة.» بنابراین سوره‌های سجده‌دار مکی هستند.

ضوابط سوره‌های مدنی

برای شناخت سوره‌های مدنی تنها سه ضابطه بیان شده است و اولین بار مکی بن ابی طالب (م ۴۳۷ ق) در کتاب الايضاح لناسخ القرآن و منسوخه آنها را جمع‌آوری کرده است.

کهن‌ترین ضابطه مطرح شده به ابن مسعود (م ۳۲ ق) می‌رسد، یعنی هر سوره‌ای که دارای ﴿یا ایها الذین آمنوا﴾ باشد مدنی است البته به جز سوره مکی حج که دارای این عبارت است.

دومین ضابطه به لحاظ قدمت از عروة بن زبیر (م ۹۴ ق) گزارش شده است. از وی نقل شده که گفته است: «ما کان من حدّ أو فريضة فأنه أنزل بالمدينة». مراد از فريضة و فرائض در کلام صحابه و تابعین ارث است. بنابراین هر سوره‌ای که در آن از حدود یا احکام ارث سخن گفته شده مدنی است.



سومین ضابطه وجود ذکر منافقین در سور مدنی است. مکی بن ابی طالب می نویسد:
«وکل سورة فیها ذکر المنافقین فهی مدنیة» سیوطی پس از یادکرد سخن مکی می نویسد:
«و زاد غیره: سوی العنکبوت»

ج) روش اجتهادی

اجتهاد در تعیین سوره‌های آیات مکی و مدنی بیشتر از سوی پشینیان مورد توجه قرار گرفته است. آنان در مواردی که دو روش بالا اطمینان لازم را به وجود نیاورد یا برای تکثیر قرائن و شواهد با بهره‌گیری از شاخص‌های لفظی و محتوایی موجود در آیات مکی و مدنی به تعیین نوع سور می‌پردازند؛ البته در بین آثار پشینیان نیز گاه اشاراتی به این شاخص‌ها وجود دارد.

این شاخص‌ها در کتب علوم قرآن معاصر با عنوان «مميزات المکی والمدنی» یا «خصائص المکی والمدنی» مطرح شده‌اند و به دو دسته کلی لفظی و محتوایی تقسیم می‌شوند.

دانشمندان متأخر پس از آنکه از طریق روایات یا ضوابط مکی و مدنی، زمان نزول بسیاری از سوره‌ها را دریافتند و مکی و مدنی آنها را از هم باز شناختند با تأمل در این دو دسته سوره‌ها به تفاوت‌هایی لفظی در میان آنها پی بردند و دریافتند که طول آیات سوره‌ها با پیشرفت زمان نزول افزایش و آهنگ آنها کاهش می‌یابد و در نوع واژگان و ترکیبات آیات دگرگونی‌های خاصی به هم می‌رسد. همچنین دریافتند که هدف‌گیری آیات مکی و مدنی با یکدیگر تفاوت دارد و به اقتضای همین هدف‌گیری برخی موضوعات به دوره و مخاطبان معینی اختصاص دارد.



پی نوشت ها:

۱. جعبری، ابراهیم بن عمر؛ حسن المدد فی فنّ العدد؛ ص ۴۷ و سیوطی، جلال الدین؛ الاتقان؛ ص ۳۲.
۲. سیوطی، جلال الدین؛ الاتقان؛ ص ۲۰.
۳. ر.ک: الانتصار للقرآن؛ ج ۱، صص ۲۴۷ - ۲۴۸.
۴. جعفر، نکونام؛ درآمدی بر تاریخ گذاری؛ ص ۱۲۸.
۵. همان، ص ۱۴۱.
۶. سیوطی، جلال الدین؛ الاتقان؛ صص ۲۲-۲۱ و ۴۳.
۷. نکونام؛ جعفر؛ درآمدی بر تاریخ گذاری؛ ص ۱۴۸. به عنوان مثال کتاب اسباب النزول واحدی (م ۴۶۸ ق) به عنوان کهن ترین کتابی که در این زمینه به دست ما رسیده دارای ۹۴۵ روایت ذیل ۶۲۹ آیه است. (ر.ک: اسباب النزول؛ واحدی، ابوالحسن و اسباب النزول؛ بسام الجمل؛ ص ۱۲۱).
۸. اعم از صغار صحابه (همچون ابن عباس که سال سوم قبل از هجرت به دنیا آمده است و بنابراین شاهد نزول آیات مکی و بخشی از آیات مدنی نبوده و عائشه که سال پنجم بعثت به دنیا آمده و حداقل شاهد نزول آیات مکی نبوده) و تمام انصار که شاهد نزول آیات مکی نبودند (همچون جابر بن عبدالله انصاری و انس بن مالک انصاری) و جملگی تابعان.
۹. جعفر، نکونام؛ درآمدی بر تاریخ گذاری؛ صص ۱۵۱-۱۵۲.
۱۰. در اصطلاح علمی «شان نزول» رویدادی است که پس از گذشت مدت‌ها از وقوعش، پاره‌ای از قرآن درباره آن نازل می‌گردد یا شخص و قومی که، بدون وجود رویدادی خاص، بخشی از قرآن درباره‌اش نازل می‌شود.
۱۱. ر.ک: اسباب النزول القرآنی؛ غازی عنایه؛ صص ۸۴-۸۸.
۱۲. علاوه بر این تعاقب زمانی هر چیزی به حسب خودش سنجیده می‌شود، مثلاً فاء در «تزوج فلان فولد له» نیز بیانگر تعاقب است؛ ولی حداقل این تعاقب یکسال است.
۱۳. انفال؛ ۳۵.
۱۴. سیوطی، جلال الدین؛ لباب الثقول؛ ص ۱۴۹.
۱۵. عبدالرزاق، حسین احمد؛ المکی و المدنی؛ ج ۱؛ ص ۴۲۸.
۱۶. انفال؛ ۳۳.
۱۷. ابن عربی مالکی، محمد بن عبدالله؛ الناسخ و المنسوخ فی القرآن الکریم؛ ج ۲؛ ص ۲۲۴.
۱۸. سیوطی، جلال الدین؛ الاتقان؛ ص ۵۳.
۱۹. همان؛ ص ۵۲.



۲۰. الاتقان؛ صص ۲۰-۲۱.
۲۱. نکونام، جعفر؛ درآمدی بر تاریخ‌گذاری؛ ص ۱۹۱.
۲۲. الايضاح لناسخ القرآن و منسوخه؛ مکی بن ابی طالب، صص ۱۱۴-۱۱۵.
۲۳. سیوطی، جلال‌الدین؛ الاتقان؛ ص ۳۱؛ فضائل القرآن؛ قاسم بن سلام؛ ص ۳۶۷.
۲۴. جعبری، ابراهیم بن عمر؛ حسن المدد؛ ص ۴۸. سیوطی، جلال‌الدین؛ الاتقان؛ ص ۳۲.
۲۵. ابن حبان؛ محمد؛ مشاهیر علماء الأمصار؛ ص ۱۰۵.
۲۶. قاسم بن سلام؛ فضائل القرآن؛ ص ۳۶۷. العقل و فهم القرآن، محاسبی، حارث بن اسد؛ ص ۳۹۴. سیوطی این نقل را با سندی دیگر از کتاب دلائل النبوه بیهقی این گونه گزارش می‌کند؛ و اخرج البیهقی فی الدلائل من طریق یونس بن بکیر عن هشام بن عروه عن ابیه: قال: کل شیء نزل من القرآن فیه ذکر الامم والقرون فانما نزل بمکه. (الاتقان؛ ص ۳۲).
۲۷. جعبری، ابراهیم بن عمر؛ حسن المدد؛ ص ۴۸.
۲۸. سیوطی، جلال‌الدین؛ الاتقان؛ ص ۳۲.
۲۹. مثنای «زهراء» به معنای درخشان و تابان.
۳۰. جبری، ابراهیم بن عمر؛ حسن المدد؛ ص ۴۸.
۳۱. یعنی سوره بقره.
۳۲. جعبری، ابراهیم بن عمر؛ پیشین، ص ۴۸.
۳۳. سیوطی، جلال‌الدین؛ الاتقان، ص ۳۲.
۳۴. الايضاح لناسخ القرآن و منسوخه؛ ص ۱۱۴.
۳۵. فضائل القرآن؛ ص ۳۶۷.
۳۶. الايضاح لناسخ القرآن و منسوخه، ص ۱۱۴.
۳۷. الاتقان، نوع اول، ص ۳۲.
۳۸. به عنوان مثال ابوعبیده، معمر بن مثنی (م ۲۱۰ ق) در «مجاز القرآن» می‌نویسد: فکل أمر نُهی عنه عن مجاهدة الکفار فهو قبل أن یؤمر بالقتال، و هو مکی. (مجاز القرآن؛ ج ۱، ص ۵۰) همچنین رک: المقدمه؛ ابن خلدون، عبدالرحمن، ص ۹۹. البیان فی عد آی القرآن؛ دانی، ابوعمر؛ ص ۲۱۴.
۳۹. رک: المدخل لدراسه القرآن الکریم؛ محمد ابو شهبه، ص ۲۳۰؛ مکی و المدنی فی القرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۶۸.
۴۰. رک: خصائص السور و آیات المدنیه، ص ۳۸. اهم خصائص السور و آیات المکیه، ص ۳۵.



۴۱. نکونام، جعفر؛ درآمدی بر تاریخ گذاری؛ پیشین؛ ص ۱۰۸، پاورقی.

منابع:

۱. سیوطی، جلال الدین؛ الاتقان؛ چاپ اول؛ بیروت؛ دارالکتب العلمیه؛ ۱۴۳۵ ق.
۲. غازی عنایه؛ اسباب النزول القرآنی؛ چاپ اول؛ بیروت؛ دار الجیل؛ ۱۴۱۱ ق.
۳. بسام الجمل؛ اسباب النزول؛ چاپ اول؛ لبنان؛ المزکر الثقافی؛ ۲۰۰۵ م
۴. واحدی، ابوالحسن؛ اسباب النزول؛ تحقیق خیری سعید و دیگران؛ [بی جا]؛ قاهره؛ المكتبه التوفیقیه؛ [بی تا].
۵. باقلانی؛ قاضی ابوبکر؛ الانتصار للقرآن؛ تحقیق محمد عصام القضاء؛ چاپ اول؛ بیروت؛ دار ابن حزم؛ ۱۴۲۲ ق.
۶. البدوی، احمد عباس؛ اهم خصائص السور و الآيات المکیه؛ چاپ اول؛ عمّان؛ دارعمار؛ ۱۴۲۰ ق.
۷. قیسی، مکی بن ابی طالب؛ الايضاح لناسخ القرآن و منسوخه؛ چاپ اول؛ جدّه؛ دارالمناره؛ ۱۴۰۶ ق.
۸. دانی، ابوعمر و؛ البیان فی عد آی القرآن؛ تحقیق غانم قدوری الحمد؛ چاپ اول؛ کویت؛ منشورات مرکز المخطوطات و التراث و الوثائق؛ ۱۴۱۴ ق.
۹. جعبری، ابراهیم بن عمر؛ حسن المدد فی فن العدد؛ تحقیق جمال الشایب؛ [بی جا]؛ [بی جا]؛ مکتبه اولاد الشیخ للتراث؛ [بی تا].
۱۰. ابوالعلا، عادل محمد صالح؛ خصائص السور و الآيات المدینه؛ [بی جا]؛ جدّه؛ دارالقبله للثقافه الإسلامیه، [بی تا].



۱۱. جعفر نکونام؛ درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن؛ چاپ اول؛ تهران؛ نشر هستی نما؛ ۱۳۸۰ ش.
۱۲. محاسبی، حارث بن اسد؛ العقل و فهم القرآن؛ چاپ دوم؛ [بی جا]؛ دارالفکر؛ ۱۳۹۸ ق.
۱۳. هروی، قاسم بن سلام؛ فضائل القرآن؛ تحقیق مروان العطیه و دیگران؛ چاپ اول؛ بیروت؛ دار ابن کثیر؛ ۱۴۱۵ ق.
۱۴. جلال الدین سیوطی؛ لباب النقول فی اسباب النزول؛ بیروت؛ دارالکتب العربی، ۱۴۲۸ ق.
۱۵. ابو عبیده، معمر بن مننی؛ مجاز القرآن؛ تعلیق محمد فؤاد سزگین؛ چاپ دوم؛ بیروت؛ مؤسسه الرساله؛ ۱۴۰۱ ق.
۱۶. محمد ابوشهبه؛ المدخل لدراسه القرآن الکریم؛ چاپ اول؛ کویت؛ انتشارات غراس للنشر والتوزیع؛ ۱۴۲۴ ق.
۱۷. ابن حبان؛ محمد؛ مشاهیر علماء الأمصار؛ تحقیق مرزوق؛ چاپ اول؛ [بی جا]، دارالوفاء، ۱۴۱۱ ق.
۱۸. ابن خلدون، عبدالرحمن، [بی جا]؛ المقدمة؛ بیروت؛ دار احیاء التراث العربی؛ [بی تا].
۱۹. عبدالرزاق، حسین أحمد؛ المکی و المدنی فی القرآن الکریم؛ چاپ اول؛ قاهره؛ دار ابن عفان؛ ۱۴۲۰ ق.
۲۰. ابن عربی مالکی، محمد بن عبدالله؛ الناسخ و المنسوخ فی القرآن الکریم؛ تحقیق عبدالکبیر العلوی؛ [بی جا]؛ [بی جا]؛ مکتبه الثقافه الدینیة؛ ۱۴۱۳ ق.

